



جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۴۰۲، دوره ۶، شماره ۲، صص ۳۶۸-۳۴۹

جغرافیای تاریخی ماکو

جعفر آقازاده

دانشگاه محقق اردبیلی. دانشکده علوم اجتماعی. گروه تاریخ. اردبیل. ایران. j.agazadeh@uma.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

چکیده

ماکو با نام باستانی شاورشان و آرتاز، در گوشه شمال غرب ایران، جایگاه ویژه‌ای در طول تاریخ ایران داشته و در دوره باستان از مناطق مورد درگیری ایرانیان و آرامنه بود. بر اساس روایت منابع ارمنی، سکونت اولیه در منطقه ماکو به دوران مادها بر می‌گردد. این سرزمین به علت تدفین «تادئوس» از حواریون حضرت عیسی (ع) جایگاه دینی و مذهبی برجسته‌ای در بین آرامنه جهان دارد. درباره ریشه لغوی ماکو و محدوده آن و نیز پیوستگی‌های اداری و سیاسی آن با سرزمین ایران، نظرات متفاوتی وجود دارد. مقاله حاضر بر آن است که جغرافیای تاریخی ماکو، وجه تسمیه و حدود جغرافیایی آن را با استفاده از متون تاریخی و جغرافیایی بر پایه روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای بررسی و تحلیل کند. حاصل بررسی‌های انجام گرفته در این مطالعه نشان می‌دهد که موقعیت جغرافیایی ماکو تأثیر عمده‌ای بر حیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آن داشته است و ابعاد مختلف زندگی مردمان آن تحت تأثیر جغرافیا و واقع شدن در نقطه مرزی آن قرار داشت. ماکو به علت قرار گرفتن در نقطه مرزی سه کشور ایران، روسیه و عثمانی از اهمیت ویژه‌ای در روابط بین این سه قدرت برخوردار بود و خوانین حاکم بر آن حکومت خودمختاری برای خود تشکیل داده بودند.

واژه‌های کلیدی

ماکو، جغرافیای تاریخی، روابط انسانی، موقعیت جغرافیایی، حکومت نیمه مستقل.

مقدمه

جغرافیای تاریخی و جنبه‌های مختلف حیات شهرها، از جمله زمینه‌های مطالعات تاریخی هستند که می‌توان آن‌ها را در یک جغرافیای خاص و در ارتباط با جغرافیای تاریخی مناطق مختلف مورد بررسی قرار داد. هرچند خلأ مدارک و اسناد بایگانی در ادوار مهمی از تاریخ ایران، به ویژه در سده‌های نخستین و میانی تمدن اسلامی به وضوح دیده می‌شود و این امر ضعفی مهم در پژوهش‌های جغرافیای تاریخی مناطق مختلف ایران، از جمله ماکو به شمار می‌رود (کمانداری، ۱۴۰۰: ۱۲۲). منطقه ماکو با سنت‌های دیرین و آثار عظیم باستانی و تاریخی برای مورخان و محققان تاریخ هنوز به روشنی شناخته نشده است؛ بخشی از جغرافیای ایران که از زمان مادها مسکون بوده و اقوام مختلفی بر آن حکمرانی نموده‌اند، با وجود اهمیت تاریخی که دارد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. حتی تاریخ و جغرافی نگاران گذشته به ذکر اشاراتی کوتاه در مورد آن بسنده کرده‌اند.

پیشینه پژوهش

تا آنجایی که نگارنده بررسی کرده، تاکنون پژوهشی مستقل و مبتنی بر ریشه‌یابی علمی و تحلیلی در زمینه موضوع مورد نظر صورت نگرفته است و مقاله حاضر را می‌توان پژوهشی نو و مستقل درباره جغرافیای تاریخی ماکو محسوب کرد. ولی برخی نویسندگان در آثار خود به صورت جزئی و گذرا به این موضوع اشاره کرده‌اند؛ قربانی در کتاب «مونوگرافی شهر ماکو» (۱۳۷۰)، برخی از جنبه‌های جغرافیای طبیعی و انسانی شهر ماکو را بررسی و تحلیل کرده است. موسوی ماکویی در کتاب «تاریخ ماکو» (۱۳۷۶)، به بررسی تاریخ ماکو از دوران باستان تا زمان معاصر اقدام کرده و در این بین اطلاعات خوبی درباره نام، پیشینه شهر و سوابق سکونت اقوام مختلف در آن به دست داده است، اما چون نگارنده تحصیلات تخصصی در این زمینه نداشته نگاه توصیفی به موضوع داشته و همان‌گونه که از نام و موضوع کتاب پیداست، به دیگر موضوعات مرتبط با جغرافیای تاریخی شهر اشاره نکرده است. افشار سیستانی در کتاب «نگاهی به آذربایجان غربی» (۱۳۶۹)، به بررسی جغرافیای انسانی و طبیعی ماکو پرداخته به ویژه اطلاعات او در زمینه ایلات و عشایر منطقه ماکو قابل توجه است.

روش

با توجه به ماهیت موضوع، این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای انجام شده و نویسنده می‌کوشد با بررسی و تحلیل اطلاعات موجود در منابع جغرافیایی و تاریخی، به تصویری مطلوب از جغرافیای تاریخی منطقه ماکو دست یابد.

موقعیت جغرافیایی ماکو

ماکو در دوره قاجار جزء ایالت آذربایجان بود. در سال ۱۳۱۶ این استان به دو استان آذربایجان غربی (استان چهارم) و آذربایجان شرقی (استان سوم) تقسیم شد و ماکو جزء شهرستان خوی و از توابع استان آذربایجان غربی گردید (افشار سیستانی، ۱۳۶۹، ج ۱، ۴۱۷). بعدها شهرستان ماکو با شهرهای سیه چشمه، پلدشت و شوط از خوی جدا و شهرستان جداگانه‌ای را به مرکزیت ماکو تشکیل دادند. در سال ۱۳۷۵ شهرستان چالدران از آن جدا شد و در سال ۱۳۸۷ شهرستان‌های پلدشت و شوط از آن جدا و شهرستان جداگانه‌ای را تشکیل دادند. اکنون شهرستان ماکو در گوشه شمال غرب کشور در همسایگی کشور آذربایجان و ترکیه قرار دارد. این شهرستان از طرف شمال به رود ارس (مرز جمهوری خودمختار نخجوان) از طرف مغرب به «کدوک کلامه» (سرحد ترکیه) از طرف مشرق به شهرستان شوط و پلدشت و از طرف جنوب به خاک ترکیه و چالدران حدود می‌شود (مشکور، ۱۳۷۵: ۵۳؛ قربانی، ۱۳۷۰: ۳۶).

شهر ماکو ۲۷۵ کیلومتر با ارومیه مرکز استان آذربایجان غربی و ۹۰۹ کیلومتر با تهران فاصله دارد. این شهر در طول جغرافیایی ۴۴ درجه و ۳۰ ثانیه و عرض جغرافیایی ۳۹ درجه و ۱۸ دقیقه قرار دارد. ارتفاع این شهر از سطح دریا ۱۲۹۴ متر است. اختلاف ساعت ماکو با تهران ۲۵ دقیقه و ۳۶ ثانیه است (قربانی، ۱۳۷۰: ۱۰۹).

شهر ماکو به صورت طولی وسعت پیدا کرده، زیرا در جنوب و شمال آن دو رشته کوه به نام «قیه» یا «ساری داش» و «سبد» قرار دارد، و شهر را چون حصاری در بر گرفته‌اند، ولی از طرف شرق و غرب باز است. شهر در دره‌ای که توسط دو کوه مزبور به وجود آمده، قرار دارد و در وسط شهر رودخانه‌ای به نام «زنگمار» جریان دارد در قسمت شرقی رودخانه کوه مستقیماً فرود آمده و در قسمت غربی تا حدود ۲۰۰ متر ارتفاع از سطح رودخانه قرار

گرفته به طوری که قسمتی از کوه، شهر را مانند چتر در پناه خود جای داده و شهر به طور نیم دایره در پناه این کوه قرار گرفته است (مشکور، ۱۳۷۵: ۵۳؛ قربانی، ۱۳۷۰: ۴۰).

ساکنان شهر ماکو و جمعیت آن

اکثریت جمعیت شهرستان ماکو را ترک‌های آذری تشکیل می‌دهند، کردها نیز در شهرستان ماکو سکونت دارند. تعداد محدودی خانواده ارمنی هم در شهرستان ماکو زندگی می‌کنند. ایلات و عشایر نقش مهمی در حیات اجتماعی شهرستان ماکو ایفا می‌نمایند. ایل جلالی، ایل میلان و ایل زیلان از ایلات مهم این شهرستان می‌باشند. ایل جلالی پیرامون شهرستان ماکو زندگی می‌کنند و در بیلاق با مرز ترکیه و در قشلاق با مرز جمهوری آذربایجان مشترک می‌باشند، طوایفی از آنها که دامدار هستند بیلاق و قشلاق می‌کنند، ولی در بین آنها کشاورزی هم مرسوم است. اینها سنی هستند و به زبان کردی تکلم می‌کنند. صنایع دستی این ایل جاجیم، خورجین، نمد، جوراب، کلاه، سیاه چادر، مشک، پوستین و پاپوش (نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۳؛ کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۴۲، ج ۱: ۱۱۸-۱۱۹؛ افشار سیستانی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۵۳۳-۵۷۳)

بیلاق ایل میلان در حوالی چالدران و در نوار مرزی ایران با ترکیه واقع است. قشلاق آنها در سواحل رود ارس و در امتداد مرز ایران با جمهوری آذربایجان می‌باشد (کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۴۲، ج ۱: ۱۱۸-۱۱۹؛ افشار سیستانی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۵۳۳-۵۷۳؛ نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۳). عشایر ایل زیلان نیز در شهرستان ماکو به سر می‌برند و مسکن اولیه آنها دره زیلان در خاک ترکیه می‌باشد (قربانی، ۱۳۷۰: ۱۵۷).

کوه‌ها و رودخانه‌های ماکو

چند رودخانه در شهرستان ماکو جریان دارد:

-رودخانه ارس: این رود از کوه‌های بین گول (هزار برکه) در ترکیه سرچشمه می‌گیرد و پس از گذشتن از ارزروم و قارص به رودخانه آریاچای می‌پیوندد و از این مکان مرز میان ترکیه و آذربایجان و بعد مرز ایران و جمهوری آذربایجان را شکل می‌دهد. این رودخانه در شمال غربی ماکو در محل دمیر قاپو وارد شهرستان ماکو می‌شود (قربانی، ۱۳۷۰: ۱۱۱).

- رودخانه زنگمار^۱: رودخانه دائمی که از قزلر و کدوک سرچشمه می‌گیرد و به طرف چالدران- بارون- قلعه جوق و ماکو سرازیر شده و در منطقه پلدشت به رودخانه ارس می‌ریزد. طول این رودخانه ۱۰۰ کیلومتر است و در بخشی از مسیر خود از داخل شهر ماکو عبور می‌کند (جعفری، ۱۳۶۸، ج ۲: ۲۵۴؛ نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۳).

-قره سو^۲: از دامنه‌های شمال شرقی آرات سرچشمه گرفته و بعد از مشروب ساختن مزارع قبل از زنگمار و در غرب ناحیه پلدشت به ارس می‌ریزد (افشار سیستانی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۶۲).

کوه‌های مهم شهرستان ماکو به قرار زیر می‌باشد:

-کوه آرات در مرز ترکیه به ارتفاع ۳۹۰۰ متر.

-کوه زیارت با ارتفاع ۱۶۹۵ در ۱۳ کیلومتری شمال شرق ماکو.

-کوه چرکین^۳ (Cherkin) به ارتفاع ۲۷۷۸ متر در ۹ کیلومتری جنوب غرب ماکو.

-کوه قیه (ساری داش) با ارتفاع ۱۹۶۳ متر در شمال شهر.

-کوه سبد با ارتفاع ۱۶۳۹ متر در ۳ کیلومتری جنوب غربی ماکو (سازمان جغرافیایی کوه‌های کشور، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۳۲، ۱۴۴، ۱۷۰، ۱۴۶).

آب و هوا و ریزش های جوی ماکو:

شهر ماکو با کوه‌های سنگی احاطه شده، بدین سبب تابستانی گرم و زمستانی سرد دارد، اما بهار و پاییز آن معتدل است. رطوبت هوا در این شهرستان کم است. منطقه ماکو به طور متوسط ۱۱۶ روز از سال را با پدیده یخبندان مواجه می‌باشد. یخبندان معمولاً از اواخر مهر شروع شده و در دی ماه به حداکثر خود می‌رسد و در بهمن ماه از شدت آن کاسته می‌شود. میانگین روزانه دما در شهر ماکو ۹/۸ درجه سانتی گراد است که بیشترین دمای میانگین

1- Zangmar

2-Qare Su

3. Cherkin

روزانه در تیر ماه (۲۳ سانتی گراد) و کمترین دمای میانگین روزانه در ماه دی (۴/۴- سانتی گراد) است.
(<http://www.weather.ir/>)

در تحلیل بارندگی این منطقه می‌توان گفت که رژیم بارندگی در این منطقه از نوع مدیترانه‌ای و با حداکثر بارش بهاره و فصل خشک منطبق بر فصل تابستان است. میانگین بارندگی ماهانه و سالانه در جدول زیر ترسیم شده است:

سالانه	۳۱۴	۱۰۰	۳۱۴	۱۰۰
اسفند	۵۶/۷	۷/۶	۸/۲۳	۱۸/۱
بهمن		۶	۱۸/۷	
دی		۴/۵	۱۴/۲	
آذر	۸۰/۵	۷/۱	۲۲/۲	۲۵/۶
آبان		۹/۲	۲۸/۹	
مهر		۹/۴	۲۹/۴	
شهریور	۳۸	۳/۰	۹/۳	۱۲/۱
مرداد		۶/۴	۱۳/۹	
تیر		۴/۷	۱۴/۸	
خرداد	۱۳۸/۷	۱۶/۶	۵۲/۲	۴۴/۲
اردیبهشت		۱۶/۱	۵۰/۷	
فروردین		۱۱/۴	۳۵/۸	
ماه‌ها	بارندگی فصلی	درصد بارندگی فصلی	بارندگی ماهانه	درصد بارندگی فصلی

(<http://www.weather.ir/>)

وضعیت اقتصادی و تجاری ماکو

شهرستان ماکو به علت موقعیت سوق الجیشی در همسایگی ایران، روسیه و عثمانی راه ارتباطی بین این سه کشور بود و همواره از موقعیت تجاری خاصی برخوردار بود، به طوری که خان‌های حاکم بر ماکو در دوره قاجار از این موقعیت

استفاده نموده و روابط تجاری گسترده‌ای با این دو کشور داشتند که اغلب به صورت غیرقانونی و قاچاق کالا بود (ضرغام، ۱۳۶۹: ۱۲۵). اما جدی‌ترین و مهمترین رابطه خوانین ماکو با منطقه ماوراءارس و روسیه قرارداد تجاری اقبال السلطنه حکمران ماکو با نمایندگان روسیه و قفقاز و ارمنستان در خرداد ۱۳۰۰/۱۹۲۱م بود. در این قرارداد اقبال السلطنه به مانند یک حاکم مستقل با این حکومت‌ها قرارداد تجاری برای صدور غله و دیگر اقلام تجاری امضا نمود (سازمان اسناد ملی ایران، شماره ردیف ۷۱۵۳۰۰۰۲۴، محل آرشیو، ۲۰۳ ر ۲ الف الف . سال ۱۳۰۱ش، برگ ۱-۴).

اقبال‌السلطنه و دیگر خوانین ماکو از طریق تجارت و ملک‌داری صاحب ثروت هنگفتی شده بودند، به طوری که سردار ماکو جزو ثروتمندترین افراد عصر خود محسوب می‌گردید. وی اغلب دارایی‌های خود را تبدیل به لیره عثمانی کرده و در بانک دولتی روس در ایروان به امانت می‌گذاشت (تقی‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۶۱). در اواخر دوره قاجار میزان سرمایه خوانین ماکو در بانک تفلیس بیش از دو میلیون منات بود، که سهم اقبال السلطنه بیش از همه بود (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۵۷۸). خوانین علاوه بر ماکو در خوی و ایروان هم دارای املاک بودند (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶، ج ۴: ۳۳۰۷).

بعد از براندازی حکومت اقبال السلطنه، تا شهریور ۱۳۲۰ اقدامات عمرانی در شهر و منطقه از جمله احداث راه شوسه مابین خوی و ماکو، تأسیس مدارس ابتدایی انجام گرفت. از مهمترین اقدامات عمرانی پهلوی دوم در ماکو احداث شاهراه اصلی تاکستان به ماکو بود که در سال ۱۳۴۷ به پایان رسید و افتتاح سد ارس در هفتم تیر ۱۳۵۰ بود. بعد از انقلاب هم سد ماکو در سال ۱۳۷۴ افتتاح شد. ایستگاه پمپاژ آب دشت شیلو و برق‌رسانی به اغلب روستاهای ماکو از پروژه‌های مهم بعد از انقلاب اسلامی می‌باشد (موسوی‌ماکویی، ۱۳۷۶: ۱۹۱). بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۹۸/۴ درصد مردم شهر ماکو در بخش کشاورزی، ۹۸/۲۵ درصد در بخش صنعت و ۳/۶۹ درصد در بخش خدمات اشتغال دارند (<http://www.amar.org.ir>)

جایگاه علمی و فرهنگی

خلیفه‌گری کل ارامنه آذربایجان که یکی از قدیمی‌ترین خلیفه‌گری ایران است، قبل از انتقال به تبریز در سال ۱۲۴۹ق/۱۸۳۳م در قره‌کلیسای ماکو قرار داشت (لازاریان، ۱۳۷۲: ۵۷). این کلیسا و خلیفه آن مقام والایی در بین مسیحیان داشت به طوری که در سال ۱۳۰۵ق/۱۳۰۵م که پاپ گریگوری در فکر اصلاحاتی در آداب و رسوم کلیسایی بود، برای این منظور با خلفای بزرگ مسیحی از جمله اسقف اعظم «آرتاز» و «راهب بزرگ انجمن رسول تادئوس» نامه‌نگاری نمود (Chamih, 1827, V.2: 276). کلیسای طاووس در ماکو نقش و جایگاه مهمی در ارمنستان و مسایل فرهنگی آن

داشت. «در سال ۱۶۰۹م اسقف سرکیس و پدر روحانی کیراکوس^۱ صومعه معروف تاتهو را که یکی از کانون های مهم فرهنگی بود در ارمنستان شرقی بنا نهادند و در آنجا مقدمات رنسانس با احیای مجدد فرهنگ ملت ارمنی تدارک دیده شد» (پاسدرماجیان، ۱۳۶۹: ۳۱۲).

در دوره حکومت تزاری، اهالی ماکو به ویژه خوانین این منطقه فرزندان خود را برای تحصیل به روسیه می فرستادند. ورود روزنامه و مجلات روسی و قفقازی به ماکو نقش مهمی در تنویر افکار مردم این منطقه ایفا نمود. اقبال السلطنه سردار ماکو در سال ۱۳۳۶ق/۱۹۱۸م مدرسه‌ای به نام «اقبال» در این شهر برپا کرد و تمام مخارج آن را برعهده گرفت (سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۲۶۵۷۲+۲۹۷۰، محل آرشیو ۲۶۲غ/آ.ب/سال ۱۲۹۶، برگ ۱). تمام اثاثیه و میز و نیمکت مدرسه از تفلیس خریداری شده بود و در آن به زبان های روسی و فرانسوی تدریس می شد و دانش آموزان لباس های متحدالشکلی داشتند. مدیریت مدرسه هم با یک روسی به نام کنکرنسکی بود و به معلمین مدرسه ماهیانه ۲۰ تومان پرداخت می شد. مخارج مدرسه از طریق املاک وقفی سردار به مدرسه تأمین می شد (موسوی ماکویی، ۱۳۷۶: ۱۱۲-۱۱۱). پس از آن مدرسه دیگری به همت اهالی تأسیس شد که تا سال ۱۳۰۵خ/۱۹۲۶م دایر بود و بعدها به مدرسه دولتی تبدیل و اداره آن به اداره فرهنگ وقت و پس از آن به وزارت آموزش و پرورش وا گذار شد (موسوی ماکویی، ۱۳۷۶: ۱۱۲-۱۱۱).

طبق سرشماری ۱۳۸۵ از جمعیت ۶ ساله به بالا ۳۳۱۴۷ نفر باسوادند که از این تعداد ۱۷۷۸۲ نفر مرد و ۱۵۳۶۵ نفر زن هستند که اگر به درصد بیان شود، در کل جمعیت ۶ ساله به بالا ۸۷/۶ می باشد. این نسبت در مردان ۹۲/۳ و در زنان ۸۲/۲ می باشد (<http://www.amar.org.ir>)

فضای کالبدی و موقعیت فیزیکی

ماکو و مناظر طبیعی آن در دوره قاجار، تعجب همه سیاحانی که به این شهر وارد شده‌اند را برانگیخته است: «چیزی عجیب تر از این شهر کوچک ماکو نیست. دره‌ای که شهر در آن بنا شده بسیار تنگ است و می توان گفت که خانه‌ها در دامنه کوه تقریباً روی هم ساخته شده‌اند. در بالای این خانه‌های بدون نظم و ترتیب و درهم و برهم خانه حاکم است» (دوسرسی، ۱۳۶۲: ۷۴-۷۵). در این دوره در شهر ماکو «چندین کاروانسرا، بازار و قنات» وجود داشت.

¹ - kirakos

«خانه‌ها هریک روی صخره‌ای بزرگ قرار گرفته و عموماً بشکل آمفی تئاتر و هر طبقه از طبقه دیگر مرتفع‌تر است» و «کف جاده با سقف خانه‌ها هم سطح بود» (فلاندن، ۲۰۳۶: ۵۶).



قدیمی‌ترین تصویر بر جای مانده از قلعه ماکو در اوایل سده نوزدهم (صفحات آغازین: Alcock, 1831).

هسته اولیه و اصلی شهر ماکو، قلعه ای است که در زیر کوه قیه قرار داشته و در حال حاضر تنها دیواره‌های مخروبه آن باقی مانده است. زمان ساخت قلعه ماکو به درستی مشخص نیست، به احتمال زیاد بنای اولیه آن مربوط به قبل از اسلام می‌باشد و در دوره‌های بعدی برج و باروها و تاسیسات دیگری به آن اضافه شده است (Celebi, 2012, 2/259). بقایای قلعه ماکو که هم اکنون در بلندترین نقطه شهر و در زیر صخره بلند چترمانندی دیده می‌شود، بیانگر عظمت و صلابت این بنا است که به وسیله پلکان‌ها و تونل‌های زیرزمینی با داخل شهر ارتباط پیدا می‌کرد. برخی از تونل‌هایی که به احتمال زیاد برای رفت و آمدهای مخفی به داخل و خارج شهر مورد استفاده

قرار می‌گرفت در اطراف قلعه دیده می‌شود ولی تعداد دیگری بر اثر مرور زمان، رانش زمین و ریزش کوه مسدود شده و اطلاعات کافی از آن‌ها وجود ندارد. در ارتفاع ۴۰ متری قلعه که بر روی صخره‌های عمودی بنا شده، بقایای اتاق‌ها و دیوارهایی دیده می‌شود که به احتمال زیاد حافظان قلعه از این اتاق‌ها به عنوان جان پناه استفاده می‌کردند. این قسمت از شهر در وضع فعلی قابل سکونت نبوده و حتی بعضی از واحدهای مسکونی موجود در آن از مصالح خشت و چوب ساخته شده‌اند (نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۴-۵). توسعه فیزیکی شهر تا سال ۱۳۲۰ در جنوب این قلعه بوده که شامل واحدهای مسکونی معمولی و منازل خوانین شهر و وابستگان آن بوده است، از نمونه آن‌ها می‌توان به عمارت کلاه فرنگی اشاره کرد. از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۶ گسترش کالبدی شهر خیلی کمتر و بصورت توسعه متصل در بخش مرکزی و در اطراف میدان اصلی شهر است و در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ به صورت توسعه منفصل و عمدتاً در کنار محور اصلی ارتباطی شهر و بصورت لکه ای بوده است. در این دهه توسعه شهر به سمت جنوبی رودخانه زنگمار نیز کشیده می‌شود. در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ توسعه فیزیکی شهر در حد فاصل خیابان سمت شمالی شهر (خیابان امیر کبیر) و رودخانه زنگمار صورت می‌گیرد، در حالی که توسعه منفصل بصورت لکه ای نیز تداوم دارد. از سال ۱۳۵۵ توسعه فیزیکی اصلی و گسترده شهر شروع می‌شود و با ساخت و ساز در قسمت شمالی محور اصلی تا چسبیده به کوه «قیه داغ» و در قسمت جنوبی تا رودخانه زنگمار، تا سال ۱۳۶۲ توسعه شهر در داخل تنگه به بن بست می‌رسد. از سال ۱۳۶۲ با عمل به طرح جامع شهر، توسعه در داخل تنگه متوقف، و بیرون از آن و سمت غربی شهر پیشنهاد می‌شود که شامل شهرک ولیعصر (سایت ب) می‌باشد. تا سال ۱۳۷۹ بخش عمده توسعه کالبدی شهر در آن قسمت صورت گرفته است (مهندسين مشاور شهر و بنیان، ۱۳۸۳: ۴۴). از سال ۱۳۷۹ تا حال حاضر توسعه شهر به طور عمده در داخل سایت «ب» صورت گرفته است.

نام گذاری و سیر تحول نام:

در منابع باستانی ارمنی نام ماکو ابتدا به صورت «شاوارشان» و سپس «آرتاز» آمده است (موسی خورنی، ۱۹۸۴، ج ۲: ۳۵ و ۵۳؛ Chamich, 1827, V.1: 107). در سده‌های نخستین اسلامی به آن «ماکویه» می‌گفتند، مستوفی ماکو را جزء تومان نخجوان می‌آورد «تومان نخجوان پنج شهر است» نخجوان، اردوباد، اجنان، آزاد و «ماکویه» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۸۹). کلاویخو نام این شهر را ماکو می‌نویسد (کلاویخو، ۱۳۸۴: ۱۵۴). در دوره صفوی نام ماکو به صورت‌های مختلف «ماکویه» (ترکمان، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۷۴-۷۴۲)، «قبان» یا «قلعه قبان» (نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۳-۴؛

عزیزالسلطان، ۱۳۷۶، ج ۴: ۳۳۹۹) و ماکو (واله قزوینی، ۱۳۸۲: ۲۷۶؛ خواجهگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۷۰) گزارش شده است. در نامه‌های شاه‌تھماسب ثانی نام این شهر در یک سند به سال ۱۱۳۵ق «قلعه ماکویه» (افشار، ۱۳۷۲، ۴۷۱) و در دو سند بعدی به تاریخ ۱۱۱۶ق «قلعه ماکو» آمده است (افشار، ۱۳۷۲: ۴۷۱ و ۴۷۴). از این زمان به بعد همواره در اسناد و منابع تاریخی نام «ماکو» در اشاره به این شهر و منطقه ذکر شده است.

قبان یا کپان در لغت به معنی ترازوی یک پله می‌باشد (دهخدا: ذیل مدخل قبان). برخی برآن‌اند که این قلعه در اصل گابان بوده که به مرور به قبان یا قبان تغییر یافته است. قبان در اصل کلمهٔ ارمنی و به معنی جایی که بسته و غیرقابل عبور یا محل صعب‌العبور مابین کوه‌ها باشد، اطلاق می‌شود (موسوی ماکویی، ۱۳۷۶: ۵۴). در بین مردم بومی این منطقه، قبان به معنی برآمدگی می‌باشد. بنابراین اطلاق قبان بر ماکو و قلعهٔ آن می‌تواند در اشاره به برآمدگی کوه قیه باشد. ارامنه معتقدند ماکو در اصل ماکی یا مُک یا مُکی به معنی آغل بوده، یا ماکو محل زندگی روحانیون زردشتی بوده لذا در اصل ماگوش نام داشته که به مرور ماکو شده است (مُغ در اصل ماگوش بوده موسوی ماکویی، ۱۳۷۶: ۶۱). همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، منطقه ماکو تا دوره صفویان محل اقامت و حکمرانی ارامنه بود و بعد مسلمانان در این شهر ساکن شدند و با توجه به این واقعیات، ماکو محل اقامت روحانیون زردشتی نبود و این نام زرتشتی نیست. ماکو را فارسی نیز معنی نموده‌اند که در اصل میانکوه بوده و بعد در اثر کثرت استعمال «ه» آن حذف، میانکو و سپس ساده تر شده ماکو خوانده شد (نوبان، ۱۳۷۴: ۴۴۷-۴۴۶؛ افشار سیستانی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۹۵۶). نگارنده در هیچ منبعی به نام میانکوه برخورد نکرده است.

ماکو در آئینه تاریخ

بر اساس روایت‌های ارمنی که رنگ افسانه‌ای دارد، بعد از شکست آژدهاک فرمانروای ماد در برابر تیگرانِ یروندیان پادشاه ارامنه و قتل او، تیگران، «آنوش» زن آژدهاک را به همراه «دوشیزگان بسیاری از نسل آژدهاک» و به همراه اسرای دیگر که «بالغ بر ده هزار نفر بودند» در نواحی شرقی آرات که شامل آبادی‌های تامبات^۱ در اطراف ماکو و دیگر نواحی بود جای داد (موسی خورنی، ۱۹۸۴، ج ۱، ۳۰-۳۱). بر اساس روایت دیگری از موسی خورنی، آرتاشش پادشاه ارمنستان، برادر خود سمبات را به سرزمین آلانها فرستاد و وی علیه دشمنان آن‌ها لشکر کشید و بعد از شکست آن‌ها اسرای زیادی همراه آورد. به فرمان آرتاشش این اسرا را «در نواحی جنوب شرقی ماسیس^۲ که ولایت

^۱- Tambat (منطقه ای باستانی در نزدیکی ماکو)

^۲-Masis

شاورشاکان^۱ نامیده می‌شد سکونت دهند لیکن اسم اصلی آن محل را که آرتاز بود محفوظ داشت. چون آن کشوری بود که آن‌ها از آنجا باسارت آورده شدند تا بامروز آرتاز نامیده می‌شود» (موسی خورنی، ۱۹۸۴، ج ۲: ۵۳). این روایت اولین اشاره به ماکو در منابع و مسکونی گشتن آن و نامگذاری آن به نام آرتاز که به علت سکونت آلان‌ها در ماکو می‌باشد، است.

در سال‌های اول میلاد حضرت عیسی مسیح (ع)، «تادئوس»^۲ که یکی از رسولان و حواریون عیسی مسیح (ع) بود، برای ملاقات با ساناتروک پادشاه ارمنستان که در استان شاورشان یا آرتاز اقامت داشت به منطقه رفت و با دعوت وی ساناتروک و بسیاری از اعیان و مردم عادی حوالی آرتاز مسیحی شدند. اما ساناتروک بعد از مدتی از مسیحیت رویگردان شد و تادئوس و بسیاری از همراهان وی از جمله دختر خود «ساندوخت» را که حاضر به روی‌گردانیدن از مسیحیت نشد به قتل رسانید. پس از مدتی جنازه‌های آن‌ها به محل فعلی قره‌کلیسا در نزدیکی ماکو منتقل و دفن گردید (Greenwood, 2008:227؛ Chamich, 1827, V.1: 107؛ موسی خورنی، ۱۹۸۴، ج ۲: ۳۴). از این زمان منطقه ماکو به‌عنوان یکی از مقدس‌ترین اماکن آرامنه جهان اعتبار فوق‌العاده ای یافت، و نقش فرهنگی مهمی در جهان مسیحیت بر عهده گرفت. نویسندگان ارمنی از آرتاز به‌عنوان یک استان نام می‌برند (Chamich, 1827, V.1: 318, 155, 298)، این مسئله نشانگر عظمت منطقه ماکو در دوران باستان و محوریت آن از نظر سیاسی بود. آرتاز (ماکو) در دوره باستان از مناطق مورد درگیری ایرانیان و آرامنه بود و جایگاه مهمی در دید مسیحیان داشت. (Sanasarian, 1998: 616). در قرن چهارم میلادی خانواده «باگراتونی» که یکی از مهم‌ترین و قدرتمندترین خانواده‌های ارمنستان بود، مالک ماکو بودند (پاسدراجیان، ۱۳۶۹: ۱۲۹).

در دوره اسلامی ماکو به‌عنوان شهر و قلعه‌ای محسوب می‌گردید، که در استحکام و غیرقابل تصرف بودن زبازد بود: «آن شهری است که قلعه‌ها دارد و در دست امراء عاصی، که هرگز بر بساط سلاطین قدم نهاده‌اند، و از علامت اطاعت ایشان تا این زمان غیر از تقدم‌ها چیزی مشاهده نکرده» (نسوی، ۱۳۶۵: ۱۸۶). به خاطر استحکام و امنیت زاید الوصفی که قلعه ماکو در این دوره از آن برخوردار بود، سلطان جلال‌الدین که دائم از سوی مغولان در تعقیب بود، حرم خود را در ماکو گذاشته بود، تا از دستبرد مغولان و دیگر دشمنان در امان باشند (تتوی، ۱۳۸۲: ۳۷۸۳). اگرچه ایلخانان بر تمام ناحیه وان امارت داشتند، اما شاخه‌ای از امیرنشین‌های ارمنی در آرتاز امارت نیمه مستقلی

¹- Shavarshakan

¹- Thaddeus

داشتند (Bausani, 2000: 133). در سال ۷۱۵ ق/۱۳۱۵م اسقف زاکاریا و بردارش پطرس حکومت سیاسی و مذهبی ماکو را به دست آوردند و با صرف هزینه بسیار قلعه ماکو را که محل اقامت آنان بود استحکام بخشیده و راههای کاروانرو و پل هائی در مسیر راه ساختند و آنرا به صورت راهی تجاری و سوق الجیشی درآوردند. در سال ۷۳۰ قمری/۱۳۲۹م بر اثر زلزله کلیسای طاطاوس ویران شد که زاکاریا در طول ده سال بعد آن را بازسازی نمود (مشکور، ۱۳۷۵: ۳۶۵-۳۶۶؛ موسوی ماکویی، ۱۳۷۶: ۶۸-۶۹). کلاویخو سفیر اسپانیا در دربار تیمور گورکانی در سال ۸۰۶ ق/۱۴۰۳م، توضیحات کم نظیری از ماکو در اواخر حکومت تیمور به دست می‌دهد، که نشانه حکومت نیمه مستقل خوانین ارمنی بر شهر ماکو است. تیمور قلعه ماکو را محاصره نمود، ولی نتوانست آنرا فتح نماید، پس با حاکم شهر توافق نمودند که هرگاه تیمور بخواهد بیست نفر برای خدمت اعزام نماید (کلاویخو، ۱۳۸۴: ۱۵۴-۱۵۵).

با توجه به موقعیت جغرافیایی خاص ماکو و غیرقابل نفوذ و تسخیر بودن قلعه ماکو، در دوره قراقویونلوها از قلعه ماکو برای زندانی نمودن مخالفان سیاسی استفاده می‌نمودند، به طوری که جهانشاه قراقویونلو فرزندش حسنعلی را به مدت پانزده سال در «قلعه ماکو» زندانی نمود (روملو، ۱۳۸۴، ج ۱: ۵۹۵-۵۹۶). بعدها در دوره قاجار هم از ماکو و قلعه آن برای زندانی نمودن مخالفان خطرناک نظام سیاسی و دینی بهره می‌بردند؛ علی محمد باب به دستور حاجی میرزا آقاسی صدراعظم محمدشاه قاجار مدتی در قلعه ماکو زندانی گردید (بامداد، ۱۳۴۷، ج ۲: ۴۷۷).

این منطقه در دوره شاهان صفوی وارد قلمرو صفویان گردید (Bausani, 2000: 133). از این زمان دیگر نامی از آرامنه به عنوان حاکمان ماکو در میان نیست. در زمان شاه‌تیماسب صفوی دو طایفه محمودی و دنبلی در منطقه شمالغرب قدرت یافتند. طایفه محمودی که قلعه ماکو را در اختیار داشتند، اغلب طرفدار عثمانی‌ها بود. در سال ۱۰۱۴ ق/۱۶۰۵م نیروهای شاه‌عباس اول نتوانستند قلعه اصلی ماکو را تصرف نمایند (ترکمان، ۱۳۸۷، ج ۲: ۶۸۷-۶۸۸). در سال ۱۰۱۶م مصطفی بیگ محمودی حاکم ماکو باز به همراه امرای دیگر منطقه به مخالف شاه‌عباس برخاست، در نتیجه امیرگونه خان حاکم ایروان نیروهای خود را به فتح قلعه ماکو فرستاد، در نتیجه افراد ایل محمودی از ماکو به وان فرار کردند و قلعه ماکو به تصرف نیروهای صفوی درآمد (ترکمان، ۱۳۸۷، ج ۱: ۷۴۱-۷۴۲). او سپس دستور داد که حدود سیصد خانوار از ایل بیات ساکن چخورسعد و ولایت عراق را به ماکو آورده تا نزد خانعلی سلطان، حاکم قلعه مذکور به خدمت قراولی در ناحیه مشغول شوند. ریاست این گروه را «مصطفی بیگ» جد بزرگ خوانین ماکو بر عهده داشت (نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۳-۴).

با انعقاد عهدنامه ترکمان‌چای در سال ۱۲۴۳ هـ ق/۱۸۲۸م، این منطقه اهمیتی بیش‌ازپیش یافت و در منطقه شمالغرب کشور، همزمان با عثمانی و روسیه هم‌مرز گردید. این مسئله سبب زد و بند خان‌های ماکو با امپراتوری روسیه و عثمانی گردید. به‌ویژه خان‌های ماکو روابط خود را با روسیه بسیار گسترش دادند و با حمایت آن‌ها قدرت خود را در ماکو به ضرر قدرت حکومت مرکزی تحکیم نمودند (آقازاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۶-۳۹). با سلطنت محمدشاه قاجار و به صدارت رسیدن حاج میرزا آقاسی دوره‌ای جدید در سرنوشت خاندان بیات ماکویی آغاز شد. حاجی میرزا آقاسی از ایل بیات ایروان و متولد این شهر بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹: ۱۵۳). او معلمی اولاد علی‌خان ماکویی را بر عهده داشت (نصرت ماکویی، ۱۳۷۳: ۱۲-۱۳). حاج میرزا آقاسی با رسیدن به صدارت بسیاری از اقوام خویش در ایل بیات ماکو را به مناصب بالای حکومتی در تهران و دیگر شهرها رسانید و آن‌ها با بهره‌گیری از این موقعیت خزانه خود را از ثروت انباشتند و شالوده قدرت خود را مستحکم نمودند (هدایت، ۱۳۸۰، ج ۱۰: ۸۲۵۱؛ خورموجی، ۱۳۴۴: ۲۳۹). با ضعف تدریجی قدرت حکومت قاجار، خوانین ماکو با آگاهی از این ضعف به تحکیم قدرت خود در منطقه اقدام کردند و به فرامین دولت مرکزی بی‌توجهی نشان دادند و از سوی دیگر به روابط دیرینه خود با آن سوی ارس بدون توجه به سیاست دولت مرکزی ادامه دادند و همواره می‌کوشیدند تا آن‌جا که می‌توانند با نادیده گرفتن فرمان‌های دولتی و برنتابیدن مدیریت حکومت مرکزی در امور خود، آزاد و خودسر در ماکو فرمانروایی نمایند (طاهر احمدی، ۱۳۷۰: ۱۸۶ و ۲۱۶-۲۱۵).

با به قدرت رسیدن مرتضی‌قلی‌خان اقبال السلطنه در این شهر (۱۳۱۶ ق/ ۱۸۹۹ م) اقتدار خوانین بیات در ماکو و منطقه شمالغرب کشور بسیار افزایش یافت (افتخاری بیات، ۱۳۸۱: ۴۲). از وقایع مهم ایران همزمان با حکومت او در ماکو (۱۳۴۲-۱۳۱۶ ق/ ۱۸۹۹-۱۹۲۳ م)، وقوع انقلاب مشروطیت بود. با پیروزی انقلاب، در شهر ماکو هم به مانند سایر نقاط ایران، مشروطه‌خواهان شهر سعی در تأسیس انجمن شهر کردند ولی اقبال السلطنه مانع این کار شد و همین مسئله باعث تنش در روابط او با هواداران مشروطه شد (ملک زاده، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۸۱). اقبال السلطنه تأسیس انجمن را پایان حکومت نیمه مستقل خود در ماکو می‌دانست و به آن راضی نمی‌شد. با تأسیس انجمن و گسترش اغتشاش در ماکو و مناطق اطراف، سردار به همراه چند تن از خوانین دیگر در تاریخ ۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ به ایروان فرار کرد (تقی زاده، ۱۳۷۲، ۱۶۱). اما او بعد از مدتی با حمایت‌های دربار تهران، روسیه و اکراد منطقه به ماکو حمله نموده و بساط مشروطه و انجمن شهر را با قلع و قمع شدید آن‌ها برچید (ملک زاده، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۶۵). اقبال السلطنه روابط بسیار نزدیکی با محمدعلی شاه داشت و در دوره استبداد صغیر با تشویق وی چندین بار علیه مجاهدان تبریز لشکر کشید، که به شکست قوای ماکویی‌ها منجر گردید (کسروی، ۱۳۷۸: ۷۰۱ و ۷۲۳).

با لشکرکشی و اشغال آذربایجان توسط روس‌ها بعد از ماجرای اولتیماتوم آن‌ها و تعطیلی مجلس دوم، این ایالت تقریباً از نظارت دولت مرکزی ایران خارج شد، اما اقبال السلطنه با توجه به روابط نزدیکی که با روس‌ها داشت، قدرت خود را گسترش داد (کسروی، ۱۳۸۴: ۵۵۰). قرار گرفتن ماکو مابین سه دولت ایران، روسیه و عثمانی حساسیت ویژه‌ای به آن در روابط میان این سه قدرت می‌بخشید. با آغاز جهانی جهانی اول و قرار گرفتن عثمانی و روسیه در دو اردوی متخاصم در برابر هم، موقعیت استراتژیک ماکو از بعد نظامی و سوق الجیشی دوچندان شد، ماکو معبر عبور و ارتباط میان روس و عثمانی بود. قبل از آغاز جنگ اول، اقبال السلطنه در چرخشی آشکار، از روس‌ها روی گردان شد و به عثمانی‌ها تمایل پیدا کرد، این تغییر رویه با توجه به منافع استراتژیک روس‌ها در ماکو با عکس‌العمل شدید روس‌ها مواجه گردید، در نتیجه آن‌ها، در رمضان ۱۳۳۲ق/۱۹۱۴ اقبال السلطنه را به تفلیس تبعید نمودند (آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۳۲ق، کارتن ۴۱، پرونده ۲۴، سند ۴۸) و فردی طرفدار خود را به حکومت ماکو گماردند. اقبال السلطنه بیش از دو سال به حالت تبعید در تفلیس زندگی کرد و تلاش دولت ایران برای بازگرداندن وی به نتیجه نرسید. وی بعد از بازگشت به ماکو در ۱۶ صفر سال ۱۳۳۵ق / ۱۹۱۷م (آرشیو مرکز اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۳۵ق، کارتن ۴۲، پرونده ۱۹، سند ۴) سیاست حمایت از روس‌ها را به ناچار ادامه داد. اما بعد از خروج روس‌ها از ایران بر اثر انقلاب ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م وی به حمایت از عثمانی‌ها در برابر ارامنه اقدام کرد.

با وقوع کودتای ۱۲۹۹ و قدرتیابی رضاخان، او که اقتدار و نفوذ اقبال السلطنه در منطقه مرزی و سوق الجیشی ماکو و روابط گسترده وی با شوروی و ترکیه را در تضاد با اقتدار دولت مرکزی ایران می‌دانست، تلاش خود را برای از بین بردن قدرت وی آغاز نمود. سرلشکر امیر طهماسبی والی نظامی آذربایجان در این دوره رابطه‌ای ظریف و ماهرانه با ایلات و عشایر منطقه ماکو برقرار کرد. رضاخان، طهماسبی را که توانسته بود اعتماد سردار را بدست آورد، مأمور دستگیری وی کرد. او در ۲۹ مهر سال ۱۳۰۲ به ماکو نزد اقبال السلطنه رفت و با نیرنگ و خدعه او را دستگیر نموده و روانه تبریز کرد (سالور، ۱۳۷۹، ج ۸: ۶۶۸-۶۶۷؛ طهماسبی، ۱۳۸۶: ۱۰۰). گویا سردار با توجه به موقعیت استراتژیک ماکو در همسایگی با شوروی و ترکیه، به حمایت شوروی‌ها و پناه دادن آن‌ها به خودش مطمئن بود، این امر شاید نشانگر روابط پنهانی دیگر وی با آن‌ها و سازش‌های میان ایشان باشد. رضاخان دستور قتل اقبال السلطنه را صادر نمود و با مرگ وی در سال ۱۳۰۲خ/۱۹۲۳م قدرت و امارت خانهای بیات در ماکو بعد از چندین سده به پایان رسید و خزاین آن‌ها به نفع سردار سپه مصادره گردید (مستوفی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۵۷۹؛ مکی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۰۶-۴۰۷). بدین ترتیب خانهای ماکو که برای قرن‌ها توانسته بودند، امارت نیمه مستقلی برای خود در پناه کوه‌های غیرقابل نفوذ ماکو ایجاد نمایند، با گسترش وسایل ارتباطی

و قدرتمند شدن دولت مرکزی ایران، نتوانستند از موقعیت طبیعی ماکو به مانند گذشته بهره برده و حکومت موروثی آنها برافتاد.

بحث و نتیجه‌گیری

عامل جغرافیایی و سوق‌الجیشی نقش بسیار مهمی در تعیین تحولات منطقه ماکو ایفا کرده است. ماکو از دوران باستان به عنوان دروازه ورود ایران به قلمرو ارمنستان و سپس امپراتوری روم، اهمیت سوق‌الجیشی ویژه‌ای در مرز میان ایران و کشورهای همسایه در شماغرب کشور داشت. همچنین این منطقه به علت قرار گرفتن کلیسای طاطاووس جایگاه منحصر به فردی در پیش ارامنه جهان داشت. ارامنه تا زمان حکومت صفویه با استفاده از موقعیت جغرافیایی و ساختن قلعه‌ای نفوذ ناپذیر و همچنین استفاده تبلیغاتی از کلیسای طاطاووس، حکومت نیمه مستقل خود را در این منطقه ادامه دادند. با به قدرت رسیدن حکومت صفویه و و اعمال سیاست‌های تمرکزگرایانه به خصوص از دوره حکومت شاه عباس اول، امارت ارامنه در این منطقه پایان یافت و با کوچ تعدادی از اعضای ایل بیات به قلعه ماکو، این نقطه مهم مرزی و ارتباطی با حکومت عثمانی کاملاً در اختیار حکومت صفویه قرار گرفت. با جنگ‌های ایران و روسیه و قرارداد ترکمانچای، ماکو به عنوان مرز میان ایران، روسیه و عثمانی اهمیتی بیش از پیش یافت. خوانین بیات که حکومت این شهر را به صورت موروثی در اختیار داشتند با بهره‌گیری از این موقعیت و همچنین استفاده از قدرت جنگی ایلات و عشایر حکومت نیمه مستقل خود را تا قدرتیابی رضاخان ادامه دادند. علاوه بر جایگاه سیاسی، ماکو به عنوان معبر ورود ایران به اروپا از دوران قاجار نقش ویژه‌ای در مراودات تجاری و فرهنگی ایران با عثمانی و به واسطه آن با اروپا داشت. همین موقعیت در کنار عدم نظارت کافی از دوران قاجار، سبب شکل‌گیری پدیده قاچاق کالا در این منطقه از کشور شده بود، به گونه‌ای که یکی از منابع مهم درآمد خوانین ماکو از محل قاچاق و تجارت غیرقانونی بود. به خاطر ارتباط گسترده با عثمانی، روسیه و اروپا، منطقه ماکو به ویژه اقشار متوسط آن از پیشروان انقلاب مشروطه در شماغرب کشور بودند و مبارزات گسترده‌ای علیه استبداد محمدعلی‌شاه و خوانین ماکو به راه انداختند.

فهرست منابع و مآخذ

- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. (۱۳۴۹). صدرالتواریخ. به اهتمام محمد مشیری، تهران: وحید.
- افتخاری بیات، حسینقلی. (۱۳۸۱). تاریخ ماکو. به کوشش حسین احمدی. تهران: شیرازه.
- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۶۹). نگاهی به آذربایجان غربی. تهران: موسسه انتشاراتی و آموزشی نسل دانش.
- افشار، ایرج. (۱۳۷۲). احکام مربوط به خاندان سعدلو و الکای چخور سعد. مجله آینده. سال نوزدهم.
- آقازاده، جعفر و دیگران. (۱۳۹۲). روابط حکام و خان‌های ماکو با آن سوی ارس. مجله گنجینه اسناد. شماره ۸۹. صص ۲۶-۳۹.
- بامداد، مهدی. (۱۳۴۷). شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری. تهران: کتابفروشی زوار.
- پاسدرماجیان، هراند. (۱۳۶۹). تاریخ ارمنستان. ترجمه محمدقاضی. تهران: زرین.
- تتوی، احمد بن نصرالله. (۱۳۸۲). تاریخ الفی. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: علمی و فرهنگی.
- ترکمان، اسکندر. (۱۳۸۷). تاریخ عالم آرای عباسی. با مقدمه و تصحیح ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- تقی‌زاده، سید حسن. (۱۳۷۲). زندگانی طوفانی (خاطرات سیدحسن تقی‌زاده). به کوشش ایرج افشار. تهران: علمی.
- جعفری، عباس. (۱۳۶۸). گیتاشناسی ایران. تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- خواجهگی اصفهانی. محمد معصوم (۱۳۶۸). خلاصه السیر. تهران: علمی.
- خورموجی، محمد جعفر. (۱۳۴۴). حقایق الاخبار ناصری. به کوشش حسین خدیو جم. تهران: کتابفروشی زوار.
- خورنی، موسی. (۱۹۸۴). تاریخ ارمنستان. ترجمه، مقدمه و تحاشی گئورکی نعلبندیان. ایروان: دانشگاه ایروان.
- دوسرسی، کنت. (۱۳۶۲). ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰. ترجمه احسان اشراقی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۹). لغت نامه. زیر نظر محمد معین. تهران: دانشگاه تهران.

- روملو. حسن بیگ. (۱۳۸۴). احسن التواریخ. تصحیح عبدالحسین نوائی. تهران: بابک.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. (۱۳۸۱). فرهنگ جغرافیایی کوههای کشور. تهران: سازمان جغرافیایی کوههای کشور.
- سالور، قهرمان میرزا. (۱۳۷۹). روزنامه خاطرات عین السلطنه. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- ضرغام، شهریار. (۱۳۶۹). گزارش‌های تلگرافی آخرین سالهای عصر ناصرالدین شاه قاجار (خبرهایی از خوی). بی‌جا، بی‌نا.
- طاهر احمدی. محمود. (۱۳۷۰). تلگرافات عصر سپهسالار. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- طهماسبی، عبدالله. (۱۳۸۶). یادداشت‌هایی از آشوب‌های عشایری و سیاسی آذربایجان. تهران: پردیس دانش و شیرازه.
- عزیزالسلطان (۱۳۷۶). روزنامه خاطرات عزیزالسلطان «ملیجک ثانی». به کوشش محسن میرزایی. تهران: زریاب.
- فلاندن، اوژن. (۲۵۳۶). سفرنامه اوژن فلاندن به ایران. ترجمه حسین نورصادقی. تهران: اشراقی.
- قدکساز، محمدرضا. (۱۳۷۵). وجه تسمیه شهرهای ایران. بی‌جا: نشر گل گشت.
- قربانی، حافظ. (۱۳۷۰). مونوگرافی شهر ماکو. بی‌جا: ابتکار.
- کسروی، احمد. (۱۳۷۸). تاریخ مشروطه ایران. تهران: صدای معاصر.
- کسروی، احمد. (۱۳۸۴). تاریخ هجده ساله آذربایجان. تهران: امیرکبیر، تهران.
- کلاویخو، روی. (۱۳۸۴). سفرنامه کلاویخو. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی.
- کمانداری، محسن (۱۴۰۰)، «بررسی سیر تحولات تاریخی شهر و بافت کهن کرمان از ساسانیان تا قاجاریه» فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۴، شماره ۲، ص ۱۴۲-۱۲۱.
- کمیسیون ملی یونسکو در ایران. (۱۳۴۲). ایرانشهر. نشریه شماره ۲۲. تهران: دانشگاه تهران.
- لازاریان، ژانت. (۱۳۸۲). دانشنامه ایرانیان ارمنی. تهران: هیرمند.

- مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۲). نزهه القلوب. به سعی گای لسترنج. تهران: دنیای کتاب.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۷۷). شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. تهران: زوار.
- مشکور، محمدجواد. (۱۳۷۵). نظری به تاریخ آذربایجان. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و انتشارات کهکشان.
- مکی، حسین. (۱۳۷۴). تاریخ بیست ساله ایران. تهران: علمی.
- ملک زاده، مهدی. (۱۳۸۳). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. تهران: سخن.
- موسوی ماکوئی، میراسدالله. (۱۳۷۶). تاریخ ماکو. تهران: بیستون.
- مهندسین مشاور شهر و بنیان. (۱۳۸۴). طرح توسعه و عمران (جامع) شهر ماکو.
- نسوی، شهاب الدین محمد. (۱۳۶۵). سیرت جلال الدین منکبرنی. تصحیح مجتبی مینوی. تهران: علمی و فرهنگی.
- نصرت ماکویی، محمد رحیم. (بی تا). تاریخ انقلاب آذربایجان و خوانین ماکو. قم: چاپخانه علمیه.
- نوائی، عبدالحسین. (۲۵۳۶). اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- نویان، مهرالزمان. (۱۳۷۴). نام مکانهای جغرافیایی در بستر زمان. بی جا: نشر ما.
- واله قزوینی، محمد یوسف. (۱۳۸۲). ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم: خلدبرین. تصحیح محمدرضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- هدایت، رضاقلی خان. (۱۳۸۰). تاریخ روضه الصفاى ناصری. به اهتمام جمشید کیان فر. تهران: اساطیر.
- Alcock, Thomas (1831), *Traveles in Russia, Persia, Turkey and Greece in 1828-9*, London: Clarke and Son.
- Bausani. A, Marchesi. T.J.M. (2000). Religion in Iran: From Zoroaster to Baha'ullah. New York: Bibliotheca Persica Press.
- Çelebi, Evliya (۲۰۱۲), *Günümüz Türkçesiyle Evliya Çelebi Seyahatnamesi*, Hazırlayanlar Seyit Ali Kahraman ve Yücel Dağlı, İstanbul, Yapi Credi Yayinlari.

Chamich, Michael. (1827). History of Armenia. Translated by Johannes Avdall. Calcutta: Bishops Collage press.

Greenwood, Tim. (2008). New Light From The east: Chronography and Ecclesiastical History through a Late Seventh-Century Armenian Source. Journal of Early Christian Studies. The Johns Hopkins University Press.

Sanasarian, Eliz. (1998). Babi-Bahais. Christians, and Jews in Iran, Iranian Studies. volume 31, numbers 3-4.

اسناد

آرشیو اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه.

آرشیو سازمان اسناد ملی ایران

سایت های اینترنتی:

<http://www.amar.org.ir/>

<http://www.weather.ir/>

